

تحلیل آرای حدیثی شیخ حرعاملی نسبت به مسئله زن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

۱. مریم مشهدی علی پور

۲. مهدی مهریزی

۳. سیدمحمد علی ایازی

۴. کاظم قاضی زاده

چکیده

آشنایی با دیدگاه‌های علما، پیش‌نیاز هرگونه داوری درباره دیدگاه اسلام درباره مسئله زن است. یکی از علمای تأثیرگذار در مباحث زنان شیخ حرعاملی است. به طوری که برخی از مسائل زنان، میراث برجای مانده از آراء این عالم اخباری است. در نوشتار حاضر تلاش می‌شود دیدگاه‌های حدیثی «شیخ حرعاملی» را در مسئله زن و تأثیرات آن بر مباحث زنان بررسی کنیم. با واکاوی آراء حدیثی حرعاملی در مسائل زنان و با مقایسه دیدگاه‌های وی با علمای قبل از او به این نتیجه می‌رسیم که افزایش تعداد روایات در کتب وی، نوع چینش روایات، نوع باب‌بندی روایات و شرح روایات در مسائل زنان تأثیر به‌سزایی گذاشته است. به ویژه در تشدید مسائلی چون: مردسالاری، خانه‌نشینی زنان، تشویق به متعه و تعدد زوجات می‌توان تغییرات ایجاد شده را مشاهده کرد. **کلیدواژه‌ها:** اخباری‌گری، زن، مردسالاری، متعه، تعدد زوجات، اطاعت از مرد، وسائل الشیعه.

درآمد

در طول تاریخ بشریت شاهد آرای متفاوت و گاه متضاد مکاتب و ادیان درباره جایگاه

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)
(mashhadim911@yahoo.com).

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران - واحد علوم و تحقیقات (toosi217@gmail.com).

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (ayazi1333@gmail.com).

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس (ghazizadeh_kazem@yahoo.com).

معرفتی، اجتماعی و خانوادگی زنان هستیم. این آرا نه تنها نظریه‌های ذهنی، بلکه پایه و مبنای رفتار مردان نسبت به زنان بوده است. یکی از مکاتبی که در موضوع مسئله زنان تأثیرگذار بوده، مکتب اخباری‌گری است. این مکتب بین قرن‌های یازدهم تا سیزدهم با تلاش محمد امین استرآبادی در مخالفت با عقل‌گرایی و اجتهاد در میان علمای شیعه دوازده امامی در ایران، عراق، شرق عربستان و هندوستان شکوفا شد. این جریان، نه فقط در فقه، که در کلام و عقاید و حدیث و دیگر حوزه‌ها نیز پدید آمد.^۱ اخباری‌گری از قرن یازدهم ابتدا در حوزه درک متون مذهبی و فقه و پس از آن به عرصه اجتماعی نیز تسری یافت و رفته‌رفته به صورت یک اندیشه گسترده، به ویژه در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان، درآمد.^۲ برخی از مجامع حدیثی شیعه هم در همین سال‌ها گردآوری و تألیف شد؛ برای مثال، چندین کتاب حدیثی مفصل از جمله الوافی از فیض کاشانی، و سائل الشیعه از حر عاملی، بحار الأنوار از علامه مجلسی و نیز عوالم العلوم از بحرانی در همین دوره نوشته شد. جریان اخباری‌گری با یک سازمان فکری حدود سه قرن بر مراکز علمی شیعه سیطره داشت و پس از آن، گرچه توسط اصولیان از سیطره و حاکمیت افتاد، لکن آثار و پیامدهای فکری آنان را در دوره‌های بعد تا عصر حاضر می‌توان یافت.

در باره اخباری‌گری و مباحث زنان کتب و مقالات متعددی نوشته شده است، ولی کتاب و مقاله‌ای درباره اخباریان و مسئله زن و یا حرعاملی و دیدگاه وی نسبت به مسئله زن به رشته تحریر در نیامده است.

این تحقیق درصدد است دیدگاه‌های حدیثی یکی از برجسته‌ترین اخباریان، یعنی حرعاملی را درباره مباحث زنان استخراج و تحلیل کند و نشان دهد که برخی از دیدگاه‌های رایج و قابل نقد درباره مسائل زنان در متون حدیثی و مذهبی شیعه میراث برجای مانده از آرای حدیثی حرعاملی است. ما در اینجا سعی خواهیم کرد این تغییرات را با مقایسه و سائل الشیعه با کتب حدیثی قبل از وی نشان دهیم. این تغییرات در چینش احادیث، تعداد احادیث، تعداد باب‌ها و تغییر در نوع عنوان باب قابل مشاهده است. برای این منظور مباحث این مقاله در سه بخش مباحث کلی یا مقدمات، گزارش آرای حدیثی حرعاملی و تحلیل دیدگاه وی تنظیم شده است.

۱. تاریخ تفسیر، ص ۱۹۵ - ۱۹۸؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۱۶۰ - ۱۶۳.

۲. ساختار نهاد و اندیشه دینی، ص ۵۹۹.

بخش اول. مقدمات

برای معلوم ساختن تأثیر دیدگاه‌های حدیثی حرعاملی بر مسائل زنان، نیاز به ذکر چند مقدمه است.

۱. نگاهی به زندگی شیخ حرعاملی (۱۱۰۴ - ۱۰۳۳ق)

محمد بن حسن عاملی در سال ۱۰۳۳ در روستای مشعر در نزدیکی جبل عامل به دنیا آمد.^۱ او چهل سال از زندگی خویش را در جبل عامل سپری کرد و پس از آن به زیارت کعبه رفت و از آنجا به عتبات سفر کرد و سپس به مشهد مهاجرت کرد و در سال ۱۰۷۳ در آنجا مقیم شد. طی دوره اقامت در مشهد آثار علمی فراوانی نوشت که برخی از آثارش، از جمله وسائل الشیعه تأثیری ژرف در فضای دینی زمان او گذاشت. در عین حال، در همین دوران بود که با دربار صفوی پیوند یافت. وی در سفرش به اصفهان، به وسیله علامه مجلسی به شاه سلیمان معرفی شد.^۲ شیخ حرپس از بازگشت به مشهد، به منصب شیخ‌الاسلامی این شهر رسید و قضاوت شهر نیز به او سپرده شد و اعتبار و نفوذی دیوانی در مشهد به دست آورد.^۳ با تکاپوهای مذهبی و سیاسی و اجتماعی حرعاملی و با زمینه و شرایط پیشین بود مشهد در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان کانون گرایش اخباری فقه شیعه نیز شد. حرعاملی یکی از اخباریانی بود که آثارش را بر پایه دیدگاه‌های اخباری‌گری تدوین کرده است. او همانند اخباری‌ها تفسیر قرآن را فقط در صورتی جایز می‌داند که روایتی از معصومان علیهم‌السلام رسیده باشد.^۴ ارزش کمتری برای عقل قایل است و همانند دیگر اخباری‌ها منکر اعتبار اجتهاد است.^۵

۲. منابع تحقیق

حرعاملی آثار علمی فراوانی نوشته است.^۶ در این تحقیق دو اثر از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کتاب‌های حرعاملی مبنا قرار داده شده است: «وسائل الشیعه» و «الفوائد الطوسیه»

۱. ر.ک: الحجة العاملیة الی ایران، ص ۲۷۸؛ روضات الجنات، ج ۷، ص ۳۴۳ - ۳۵۲؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۱۲ - ۱۳۴.

۲. روضات الجنات، ج ۷، ص ۳۵۱؛ اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۱۳.

۳. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۳۴؛ الحجة العاملیة، ص ۲۷۸؛ ساختار نهاد و اندیشه دینی، ص ۲۳۱.

۴. الفوائد الطوسیه، ص ۳۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۲.

۵. الفوائد الطوسیه، ص ۴۰۸ و ۴۱۴.

۶. أمل الآمل، ج ۱، ص ۳۳.

«وسائل الشیعه» اصلی ترین منبع این تحقیق است که اثری شاخص و شناخته شده مشتمل بر ۳۵۸۶۸ حدیث فقهی است و از مصادر اصلی همه فقهای عصر ما و از کتب معتبر شیعه به شمار می آید. این اثر به سبک محدثان سده های نخست، کوشیده است که حکم شرعی را با بهره بردن از عین الفاظ حدیث بیان کند. شیخ حررأی خویش را با عنوانی که برای هر باب برگزیده، اعلام کرده است.^۱

حرعاملی در این اثر از یکصد و پنجاه کتاب حدیث نقل کرده است که همه آن ها را از کتاب های مورد اعتماد شمرده و احادیث آن ها را صحیح و قطعی الصدور می داند.^۲ «الفوائد الطوسیه» اثر دیگری که در این مقاله از آن استفاده شده است. این کتاب مشتمل بر ۱۶۷ فایده در مطالب متفرقه است که بسیاری از رویکردهای برجسته مکتب اخباری گری در آن مطرح شده است. تعدادی از فواید این کتاب، در شرح و تفسیر احادیث مشکل است و برخی از فواید نیز در جواب سؤال ها و شبهاتی است که اهل علم از وی پرسیده اند.^۳

۳. روش پژوهش

برای به دست آوردن آرای حدیثی حرعاملی درباره مسائل زنان از چهار روش بهره جسته ایم:

۱. نظرات صریح حرعاملی درباره مسائل زنان؛

۲. تحلیل عناوین باب ها؛

برای این کار اولاً، آرای حرعاملی - که در عنوان در هر باب بیان می کند - ملاحظه شده است. آیا مسئله را واجب یا حرام یا مستحب یا مکروه یا به صورت خنثی بیان می کند. سپس این آرا و عناوین باب ها با کتب اربعه و در برخی موارد با فقهای قبلی مقایسه شده است تا تغییرات ایجاد شده به دست آید.

۳. تحلیل تعداد باب ها؛

در مواردی با مقایسه باب های وسائل الشیعه با دیگر کتب حدیثی متقدم، مشاهده می شود که نه تنها تعداد روایات افزایش یافته، بلکه تعداد باب ها نیز درباره یک مسئله افزایش یافته است؛ به عنوان مثال: در بحث مُتعه و تعدد زوجات، تعداد باب ها به صورت

۱. وسائل الشیعه، ص ۱۱۱ و ۱۱۹.

۲. همان، ج ۳۰، ص ۱۵۳ و ۱۶۱-۱۶۵؛ ج ۲۰، ص ۳۶-۴۷ و ۹۶-۱۰۴.

۳. الفوائد الطوسیه، ص ۶.

چشم‌گیری افزایش یافته که این فزونی باب‌ها، بیان‌گراهمیت مسئله در نزد نویسنده است.
 ۴. مجموعه آرای حرعاملی؛

آرای حرعاملی را - که در عناوین باب‌های وسائل الشیعه بیان شده - با هم در نظر گرفته تا ایدئولوژی‌ای که مجموع آرا در کنار هم ارائه می‌کند، به دست آید.

۵. تحلیل تعداد روایات.

در کتب اخباری‌ها، به ویژه در وسائل الشیعه، تعداد روایات افزایش یافته است. در این تحقیق سعی شده است به تعداد روایات اشاره شده و تعداد روایات با کتب قبلی مقایسه شود.

بخش دوم. آرای حدیثی حرعاملی در مسائل زنان

به منظور تحلیل آرای حدیثی حرعاملی، دیدگاه‌های ایشان در سه بخش: مباحث فردی و تکوینی زنان، روابط خانوادگی و مسائل اجتماعی زنان بررسی می‌شود:

الف. مباحث تکوینی و معرفتی درباره زنان

بررسی شخصیت انسانی زن، میزان برخورداری وی از استعدادها و آرمان‌ها، وابستگی و استقلال او در شخصیت، اولین بحث زیربنایی در بررسی مسائل زنان است. بسیاری از داوری‌ها درباره مسائل زنان، آگاهانه یا ناآگاهانه، در این موضوع ریشه دارد؛ چنان که تصمیم در باب ورود یا خروج زنان در پاره‌ای از حوزه‌های زندگی به این قضیه منوط است. این مبحث در هفت موضوع بررسی می‌گردد:

۱. عقل زنان

نقصان عقل زنان از مسائلی است که از دیرباز مطرح بوده است. دو روایت اصلی در زمینه نقصان عقل زنان وجود دارد که بیشتر محدثان و فقها این روایات را آورده‌اند؛ یک روایتی از پیامبر ﷺ است که می‌فرماید:

مَا رَأَيْتُ مِنْ ضَعِيفَاتِ الدِّينِ وَ نَاقِصَاتِ الْعُقُولِ أَشَلَبَ لِيذِي لُبٍّ مِنْكُنَّ.

کلینی،^۱ شیخ صدوق^۲ و فیض^۳ این روایت را نقل کرده‌اند. مجلسی اول نیز ضمن صحیح

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.

۳. الوافی، ج ۲۱، ص ۲۷.

دانستن آن، این روایت را آورده است.^۱ حر عاملی نیز اولین روایت از «بَابُ كَرَاهَةِ الْإِفْرَاطِ فِي حُبِّ النَّسَاءِ وَتَحْرِيمِ حُبِّ النَّسَاءِ الْمُحَرَّمَاتِ»^۲ را به این روایت اختصاص می‌دهد؛ اما آنچه که قابل توجه است، این‌که این روایت از سوی حر عاملی در بابی آمده است که مردان را از محبت زیادی به زنان نهی می‌کند و این روایات در ابوابی مانند منع از مشورت با زنان نیامده است.

روایت دیگر «عُقُولُ النَّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَجَمَالِ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ»^۳ است. این روایت را شیخ صدوق در معانی الأخبار^۴ و الامالی^۵ ذکر کرده است. حر عاملی در فائده ۶۱ الفوائد الطوسیه^۶ با تأیید و نقل حدیث، شش وجه درباره معنای این حدیث بیان می‌کند که عبارت است از:

۱. سزاوار است که به جمال آن‌ها اکتفا شود و به خاطر کمی عقل، عقل از آن زنان اراده نشود؛ گویی چنین گفته می‌شود که عقل‌های زنان در زیبایی‌شان است؛ از این حیث که همانا جمال عوض از عقل است؛ نه این‌که مراد از روایت آن معنایی است که از واژه عقلا اراده می‌شود؛ یعنی تدبیر و رأی.

۲. مراد این است که غالباً عقل ملازم با زیبایی زنان است. پس زنی که زیباتر است، عاقل‌تر است و زمانی که بزرگ شد و زیبایی‌اش رفت، عقلش می‌رود و گاهی گفته می‌شود که هر که خَلَقَتْش (خلقتش) زیبا باشد، خُلِقَتْش زیباست.

۳. مراد این است که عقل‌های زنان در زیبایی‌شان صرف می‌شود؛ یعنی تلاششان در تجمل و کسب جمال با داروها و غذاها و آرایش‌هایی از روغن و صبیغ و عطراست و نیکویی مردان در عقلشان صرف می‌شود. پس تلاش مردان در تجمل نیست، بلکه در کسب عقل و کامل کردن آن و تحصیل علم است. پس عقل (در اینجا) به معنای علم وارد شده است.

۴. مراد این است که عقل زنان در زیبایی‌شان پنهان شده است؛ زیرا زیبایی زنان برای مردم ظاهراست و (زیبایی‌شان) مقصود عقلاست، و عقل زنان به خاطر ضعفشان و کمی عقل نسبت به زیبایی ظاهرنمی‌شود (به چشم مردم نمی‌آید). پس انگار (زیبایی‌شان) عقلشان را مخفی کرده است. و در عقل و زیبایی مردان برعکس هستند.

۱. روضة المتقین، ج ۸، ص ۱۰۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۳.

۴. معانی الأخبار، ص ۲۳۴.

۵. الامالی (صدوق)، ص ۲۲۸.

۶. الفوائد الطوسیه، ص ۲۷۴.

۵. مراد این است که عقل‌های زنان در زیبایی‌شان است؛ به این معنا که صرف زیبا بودنشان باعث جذب نفوس به سوی آن‌ها می‌شود و مورد قبول دل‌ها واقع می‌شوند و (در صورت زیبابودنشان) مردم از عقلشان راضی می‌شوند. بنابراین هرچند در عقل ضعیف باشند، زیادی زیبایی جبران‌کننده این نقص است. (و در مقابل) نفوس به زن غیرزیبا متمایل نمی‌شود؛ هرچند عقلش از عقل زن زیبا بیشتر باشد. پس عقل هریک از آن زنان در زیبایی‌شان نهفته است.

۶. سؤال انکاری در دو فقره از روایت است. گویی چنین می‌فرماید: آیا گمان می‌کنید که عقل‌های زنان در زیبایی‌شان است؛ پس شما به زیبایی تمایل پیدا می‌کنید و از عقلشان سؤال نمی‌کنید؟! چنین نیست، بلکه عقل از زیبایی جدا می‌شود و یکی از این دو (عقل و زیبایی) بدون دیگری یافت می‌شود. پس سزاوار است که درباره زنان به زیبایی، بدون در نظر گرفتن عقل اکتفا نکنید، بلکه هدف اصلی نزد شما عقل باشد و زیبایی هدف تبعی باشد، نه اصلی.

حرعاملی پس از این که شش وجه احتمالی را بیان می‌کند، وجه ششم را توضیح می‌دهد. او برای تأیید این که معیار اصلی باید عقل باشد، نه صرف جمال، به روایاتی تمسک می‌کند که اولویت در ازدواج بهتر است دین و عقل باشد؛ نه مال و زیبایی.^۱

۲. محدودیت‌های تعلیم و تعلم زنان

در کتب روایی، روایاتی به چشم می‌خورد که زنان را بر خواندن سوره نور و ریسندگی در خانه تشویق می‌کند و از یادگیری و خواندن سوره یوسف منع می‌کند. در کتاب الکافی، باب «تأدیبه النساء»^۲ دو روایت از چهار روایت این باب و در من لایحضره الفقیه، باب حقوق مرد بر زن دو روایت از سیزده روایت در این زمینه آمده است.^۳

این روایات در وسائل الشیعه با جلوه‌ای بیشتر بازتاب یافته است. حرعاملی بابی را تحت عنوان: «كَرَاهَةُ انْزَالِ التَّسَاءِ الْغُرَفِ وَ تَعْلِيمِهِنَّ الْكِتَابَةَ وَ سُورَةَ يُوسُفَ وَ اسْتِحْبَابِ تَعْلِيمِهِنَّ الْعَزَلَ وَ سُورَةَ التَّوْرِ وَ وَجُوبِ اَمْرِ الْاَهْلِ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيِهِمْ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۴ آورده و در ذیل آن چهار

۱. همان، ص ۲۷۵.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

روایت را می‌آورد که به زنانان سوره یوسف نیاموزید و برای آن‌ها این سوره را نخوانید. پس همانا در آن فتنه است و به زنان سوره نور بیاموزید که همانا در آن موعظه‌ها هست. سپس روایتی می‌آورد که یاد دادن حب علی علیه السلام را به زنان توصیه می‌کند. سپس حدیثی دیگر می‌آورد و مردان را به امر به معروف و نهی از منکر زنانشان امر می‌کند.

۳. کراهت مشورت با زنان

در کتاب‌های الکافی و من لایحضره الفقیه بابی درباره مشورت و عدم مشاوره با زنان وجود ندارد؛ حتی روایات شدیداللحنی که در بحار الأنوار و وسائل الشیعه آمده، در این کتب نیامده است. حر عاملی با نوع قرار دادن باب‌ها در کنار هم و آوردن تعداد فراوانی از روایات، سعی در نفی مشورت زنان می‌کند. مهم‌ترین جایی که وی بحث مشورت زنان را می‌آورد، جلد بیستم، کتاب نکاح است. در بابی اطاعت نکردن از زنان را حتی در حیطة کارهای معروف، مستحب می‌داند؛ «باب استحباب معصية النساء و ترک طاعتهن و لوفی المعروف و ائتمانهن».^۱ در ادامه، در باب دیگر، مشاوره با زنان را مکروه می‌داند: «باب کراهة اشتیارة النساء إلا بقصد المخالفة»^۲ و هفت روایت را در این باره می‌آورد.

ایشان ابتدا روایتی می‌آورد که از مشاوره در نجوا با زنان نهی می‌کند و سپس روایتی می‌آورد که مشاوره با زنان را به خاطر ضعف و عجز آن‌ها رد می‌کند. در ادامه، با ذکر روایت دیگر، مخالفت با زنان را عامل برکت می‌داند. روایت دیگری به این امر دلالت می‌کند که هر کسی که زنی تدبیرش را انجام دهد، ملعون است. دو روایت آخری که در این باب می‌آورد، مربوط به پیری زنان است، نه همه دوران زنان.^۳ هفت روایت ذکر شده درباره مخالفت با مشورت زنان، هیچ کدام به صورت صریح بر عدم مشورت به خاطر نقصان عقل دلالت ندارد، بلکه مشورت به خاطر شوم بودن، ضعف، عدم مشاوره در نجوا و پیری زنان نهی شده است.

او درباره کراهت مشاوره با زنان، در جای دیگر، روایتی می‌آورد که علت عدم مشاوره با زن را نه نقص عقل آن‌ها، بلکه شوم بودن سخن آن‌ها می‌داند و به علت شوم بودن سخن آن‌ها از مشاوره با آن‌ها نهی می‌کند.^۴

۱. همان، ص ۱۷۸.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. همان، ص ۱۸۲.

۴. همان، ص ۲۱۲.

علاوه بر این، چینش ابواب نیز خود گویای دید نویسنده است. در جلد دوازدهم، آن هنگام که شیخ حر در بیان مشورت و افراد مورد مشاوره می نویسد، نخست مشورت با صاحبان رأی را مستحب می داند: «بَابُ اسْتِحْبَابِ مُشَاوَرَةِ أَصْحَابِ الرَّأْيِ».^۱ سپس بابتی درباره استحباب مشاوره با عقلا و راست گویان و صالحین و... می آورد: «بَابُ اسْتِحْبَابِ مُشَاوَرَةِ التَّقِيِّ الْعَاقِلِ الْوَرَعِ النَّاصِحِ الصَّدِيقِ وَاتِّبَاعِهِ وَطَاعَتِهِ وَكَرَاهَةِ مُخَالَفَتِهِ».^۲ از سوی دیگر، مشاوره با صاحبان رأی و عقل و ناصحین صادق را مستحب می داند. وی در ادامه، باب کراهت مشاوره با زنان مگر به به قصد مخالفت با آن‌ها و استحباب مشاوره با مردان را می آورد: «بَابُ كِرَاهَةِ مُشَاوَرَةِ النِّسَاءِ إِلَّا بِقَصْدِ الْمَخَالَفَةِ وَاسْتِحْبَابِ مُشَاوَرَةِ الرِّجَالِ».^۳ سپس بابتی دیگر در کراهت مشاوره با سفیهان و فاجران و... می آورد: «بَابُ كِرَاهَةِ مُشَاوَرَةِ الْجَبَانَ وَالبَخِيلِ وَالحَرِيصِ وَالعَبِيدِ وَالسَّفَلَةَ وَالفَاجِرِ».^۴ با کنار هم گذاشتن این ابواب، نویسنده به مخاطب این باور را منتقل می کند که زنان جزء عقلا و صادقین و صاحبان رأی محسوب نمی شوند.

۴. عدم جواز غیرت از سوی زنان

در کتب قبل از وسائل الشیعه درباره غیرت حکمی صادر نشده است و تنها به اختصاص دادن بابتی درباره این موضوع، ولی با عنوانی خنثی، با آوردن چند روایت بسنده شده است. در الکافی بابتی به نام «عَيْرَةُ النِّسَاءِ» با شش روایت، با عنوانی خنثی، بدون وجوب یا استحباب، وجود دارد و در من لایحضره الفقیه بابتی با عنوان «بَابُ الْعَيْرَةِ» با چهار روایت آورده شده است. حرعاملی اولین کسی است که غیرت را بر مردان واجب می داند و در ذیل «بَابُ وُجُوبِ الْعَيْرَةِ عَلَى الرِّجَالِ»^۵ ده روایت برای تشویق مردان به غیرت ورزیدن می آورد. حرعاملی بعد از واجب دانستن غیرت بر مردان، بابتی درباره عدم جواز غیرت بر زنان می آورد و در ذیل «بَابُ عَدَمِ جَوَازِ الْعَيْرَةِ مِنَ النِّسَاءِ»^۶ هشت روایت نقل می کند.

این روایات با این محتوا و تعداد در کتب قدیمی به چشم نمی خورد. همچنین حرعاملی

۱. همان، ج ۱۲، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۴۱.

۳. همان، ص ۴۶.

۴. همان.

۵. همان، ج ۲۰، ص ۱۵۲.

۶. همان، ص ۱۵۶.

حکم به وجوب غیرت بر مردان و عدم وجوب غیرت بر زنان می دهد و بین غیرت زنان و نجات نیافتن آن ها ارتباط برقرار می کند؛ غیرتی را که ریشه در تعدد زوجات و متعه مردان و مراوده آن ها با زنان دیگر دارد، با نجات یافتن و نیافتن زنان مرتبط می کند. او در صورت غیرت ورزیدن زنان بر مردان، نجات یافتن آن ها را کمتر می داند؛ علاوه بر این که محتوای روایات در وسائل الشیعه خیلی تندتر از بقیه کتب است.

۵. شوم بودن زنان

در بخش نوادر «باب نکاح» الکافی دو روایت درباره شوم بودن زنان آمده است. در در باب «بَرَکَةُ الْمَرْأَةِ وَ شُومُهَا» من لایحضره الفقیه نیز دو روایت مصادیق زنان شوم را زیادی مئونه، زیادی مهر و شدت درد زایمان می داند.

حر عاملی مصادیق شوم بودن زنان را مبنایی برای پنج فتوا و آوردن پنج باب مجزا قرار داده است. در جلد پنجم وسائل الشیعه، آنگاه که «أحكام المساکین» را بیان می دارد، در ذیل «کراهة ضیق المنزل و استحباب تحول الإنسان عن المنزل الضیق و إن کان أحدثه أبوه»، روایتی می آورد که سه چیز را شوم می داند: زن، خانه و چهارپا.^۱ او معیار شومی زن را در مهریه زیاد می داند.

در جلد دوازدهم، در «بَابُ كَرَاهَةِ مُشَاوَرَةِ النِّسَاءِ إِلَّا بِقَصْدِ الْمُخَالَفَةِ وَ اسْتِحْبَابِ مُشَاوَرَةِ الرِّجَالِ»،^۲ آنجا که سخن از مشورت با زنان است، با مکروه دانستن مشورت با زنان، زبان آن ها را شوم می داند.^۳

در جلد بیستم، در باب «نکاح» این روایات را مبنا قرار داده و حکم به استحباب کم بودن مئونه زنان و مهرشان و کراهت زیادی آن دو را می دهد؛ «بَابُ اسْتِحْبَابِ تَخْفِيفِ مَثْوَى التَّزْوِيجِ وَ تَقْلِيلِ الْمَهْرِ وَ كَرَاهَةِ تَكْثِيرِهِ»^۴ و در ذیل این باب، چهار روایت می آورد که سه روایت مربوط به شوم بودن زنانی است که دارای خرج و مهریه زیاد است. سپس با مبنا قرار دادن این روایات، حکم به استحباب کم بودن مهریه می کند: «باب استحباب قلة المهر و کراهة کثرته».^۵ دوازده روایت در ذیل این باب می آورد که پنج روایت درباره شوم بودن زن هایی است که دارای مهر زیادی هستند و پنج روایت درباره کم بودن مهریه حضرت فاطمه علیها السلام است.

۱. همان، ج ۵، ص ۳۰۳.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۴۶.

۳. همان.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۱۱۱.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۲۵۰.

۶. شهوت نُه برابری زنان نسبت به مردان

با وجود این که در کتاب های تهذیب الأحکام و من لایحضره الفقیه روایتی درباره بیشتر بودن شهوت زنان بر مردان وجود ندارد، ولی در الکافی، در باب «فَضْلُ شَهْوَةِ النِّسَاءِ عَلَى شَهْوَةِ الرِّجَالِ»^۱ شش روایت در این باره وجود دارد. حرعاملی در دو جا این روایات را می آورد؛ در «بَابِ اسْتِحْبَابِ مَعْصِيَةِ النِّسَاءِ وَتَرْكِ طَاعَتِهِنَّ وَكَوْفِي الْمَعْرُوفِ وَائْتِمَانِهِنَّ»^۲ یکی از هفت روایت را به این موضوع اختصاص می دهد و همچنین در بابی که ازدواج زود هنگام دختران را مستحب می داند،^۳ شش روایت از نه روایت را در این باره می آورد تا انگیزه ای برای خانواده ها نسبت به تزویج زود هنگام دخترانشان ایجاد کند.

حرعاملی در الفوائد الطوسیه در شرح حدیث نُه برابری شهوت زنان، این امر را قبول دارد و در توجیه و شرح آن می نویسد:

روایت شده که همانا خداوند شهوت را به ده قسمت تقسیم کرده است؛ نُه جزء در زنان و یک جزء در مردان و اگر نبود آن (میزان) حیایی که در زنان قرار داده است، برای هر مرد نُه زن وجود داشت که متعلق به او بودند.^۴

ب. خانواده

در اینجا برآنیم تا تلقی حرعاملی و استفاده وی از احادیث را درباره مسئله ازدواج و جایگاه زن در خانواده به دست بیآوریم و دریابیم که حرعاملی برای زن در مجموعه خانوادگی چه جایگاهی قایل است؟ برای به دست آوردن دیدگاه های حدیثی حرعاملی هفت مبحث را پی می گیریم.

۱. ولایت مرد بر زن

ولایت مرد در دو امر مطرح می شود:

۱- ۱. ولایت پدر در امر ازدواج دختر باکره غیر رشیده

عموم فقها اذن ولی را در ازدواج دختر باکره شرط می دانند. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، ولایت پدر و جد پدری را بر دختر باکره می پذیرد؛ به طوری که پدر می تواند او را به ازدواج کسی در

۱. الکافی، ج ۱۰، ص ۶۰۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۱.

۴. الفوائد الطوسیه، ص ۹۷.

بیاورد. شیخ مفید در احکام النساء اذن ولی را بر بکره شرط می‌داند، ولی برای زن بیوه شرط ندانسته است؛^۱ ولی حر عاملی در «بَابُ جَوَازِ التَّزْوِیجِ بِغَیْرِ وَلیِّی»^۲ اجازه ولی را در ازدواج دختر بکره رشیده شرط نمی‌داند و دختر بکره رشیده مستقلاً می‌تواند اقدام به ازدواج کند.

۱- ۲. کراهت نذر، هبه، صدقه و روزه زن بدون اذن شوهر

عموم علما، از جمله شیخ طوسی،^۳ محقق اردبیلی^۴ و شیخ مفید^۵ نذر، بخشش، صدقه و روزه زن را بدون اذن همسر مجاز نمی‌دانند. حر عاملی نیز حکم به کراهت تصرف زن از مال خودش، بدون اذن شوهر می‌دهد و باب «کراهة تصرف المرأة فی مالها و انفاقها منه بغير اذن زوجها الا فی الواجب»^۶ را به این مسئله اختصاص می‌دهد و باب دیگر را نیز چنین آورده است: «باب حکم الرجوع فی الهبة للزوج و الزوجة و حکم هبة المرأة بغير اذن الزوج»^۷. صاحب وسائل، روزه مستحبی زن را نیز بدون اذن شوهر، مکروه می‌داند: «کراهة صوم العبد و الولد تطوعاً بغير اذن السيد و الوالدين و جملة من الصوم المكروه و المحرم»^۸.

۲. اطاعت نکردن مردان از زنان

در کتب الکافی، من لایحضره الفقیه و تهذیب الأحکام، عناوین و روایاتی درباره نهی از اطاعت کردن زنان به چشم نمی‌خورد، ولی حر عاملی بر استحباب معصیت زنان فتوا می‌دهد و به مردان سفارش می‌کند در همه کارها، حتی در کارهای خوب و معروف هم با زنان مخالفت کنند: «استِحْبَابِ مَعْصِيَةِ النِّسَاءِ وَ تَرْكِ طَاعَتِهِنَّ وَ كَوْفِي الْمَعْرُوفِ وَ ائْتِمَانِهِنَّ»^۹. برای این فتوا از هفت روایت استفاده می‌کند. او سه روایت، با این مضمون می‌آورد که اگر زنان شما را به کارهای خوب دعوت کردند، با آنها مخالفت کنید تا طمع نکنند که شما را به منکر دعوت کنند.^{۱۰} سپس یک روایت می‌آورد که پیامبر ﷺ با زنان

۱. احکام النساء، ص ۳۶

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۰.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۲۵.

۴. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۱۰۸.

۵. احکام النساء، ص ۳۶.

۶. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۶.

۷. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۹.

۸. همان، ج ۱۰، ص ۵۲۹.

۹. همان، ج ۲۰، ص ۱۷۸.

۱۰. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۹.

مشورت می‌کرد و سپس مخالفت می‌کرد.^۱ یک روایت غیرمرتبط هم آورده شده که بزرگ‌ترین دشمن مرد زن بد است. او در پایان یک روایت از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که شخصی نزد حضرت امیر علیه السلام شکایت کرد و حضرت خطبه خواند که:

... به هیچ وجه از زنان خود اطاعت نکنید.^۲

حرعاملی بعد از این باب، بابی درباره حکم اطاعت از زنان برای رفتن به حمام، عروسی، اعیاد و... ذکر می‌کند: «بَابُ حُكْمِ طَاعَةِ الْمَرْأَةِ إِذَا طَلَبَتِ الدَّهَابَ إِلَى الْحَمَّامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالْعِيدَاتِ وَالنَّائِحَاتِ وَلُبْسِ الثِّيَابِ الرِّقَاقِ».^۳ او در این باب، دو روایات درباره عدم اطاعت از زنان می‌آورد.

۳. وجوب اطاعت کردن زن از شوهر

اطاعت زن از شوهرش و اجازه گرفتن از شوهر موقع خارج شدن از خانه، از مواردی است که در کتب الکافی، تهذیب الأحکام باب و عناوینی که به این‌ها اشاره شده باشد، وجود ندارد. در باب «حق الزوج علی المرأة»^۴ الکافی، روایاتی درباره تشویق بر اطاعت از مردان آمده است؛ مانند: روایاتی که بیان می‌کند اگر قرار بود به کسی غیر از خداوند سجده کنند، هر آینه باید زن به شوهر خود سجده بکند. در من لایحضره الفقیه هر چند بابی در این باره وجود ندارد، ولی در ذیل «بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ وَيُحْمَدُ مِنْ أَخْلَاقِ النِّسَاءِ وَصِفَاتِهِنَّ»^۵، اطاعت از شوهر یکی از خصوصیات مثبت زنان شمرده شده است. همچنین در باب «حق الزوج علی المرأة»^۶ روایاتی بیان‌گر اطاعت زن آمده است؛ خصوصیتی که در کتب قبل از وسائل الشیعه یکی از ویژگی‌های زنان خوب دانسته می‌شد، حرعاملی به «وجوب» آن فتوا می‌دهد: «باب وجوب طاعة الزوج علی المرأة»^۷ و پنج روایت برای این فتوا می‌آورد. اولین روایت را با این مضمون شروع می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه ندادند زنی بدون اذن شوهرش برای عزای پدر و مادرش برود.^۸ باب

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۱۸۱.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۶.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۷.

۶. همان، ص ۴۲۸.

۷. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۴.

۸. همان، ص ۱۷۵.

دیگر با این نام است که جهاد بر زن واجب نیست، بلکه باید از شوهرش اطاعت کند: «باب وجوب الجهاد علی الرجل دون المرأة، بل تجب علیها طاعة زوجها»^۱ و جهاد زن یعنی صبر در مقابل غیرت و آزار مردان.

۴. وجوب تمکین زن به شوهر

در کتب فقهی و حدیثی عنوان و فصل مستقلی درباره تمکین وجود ندارد، بلکه در ذیل مباحث مهریه، نفقه و حقوق مرد بر زن، مطالبی آورده شده است. در کتاب‌های الکافی، تهذیب الأحکام، مسالک الأفهام، بحار الأنوار و الوافی عنوان و حکمی که مربوط به مسئله تمکین باشد، یافت نشد. در کتاب من لایحضره الفقیه، در باب «بابُ حَقِّ الزَّوْجِ عَلَی الْمَرْأَةِ»^۲ دوازده روایت آورده شده است که یکی از حقوق مرد بر زن را تمکین می‌دانند. شیخ حر اولین کسی است که به صورت مفصل درباره تمکین بحث کرده و عناوینی در این باره می‌آورد. در ابتدا بر وجوب تمکین همه جانبه و همه‌زمانه زن فتوا می‌دهد؛ یعنی زن باید در همه زمان‌ها و مکان‌ها آمادگی خود برای تمکین اعلام کند: «بَابُ وَجُوبِ تَمَكِينِ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا مِنْ نَفْسِهَا عَلَی كُلِّ حَالٍ وَ جُمْلَةٍ مِنْ حُقُوقِهِ عَلَيْهَا»^۳. روایاتی که صاحب وسائل می‌آورد، روایاتی است که خروج زن از خانه را بدون اذن شوهر منع می‌کند و این روایات دلالت آشکاری بر تمکین همه جانبه و همه‌زمانه ندارد، بلکه زنان را به اطاعت از مرد امر کرده و از خروج بدون اذن شوهر منع می‌کند.^۴

حر عاملی، پس از حکم به وجوب تمکین در هر حال، دوباره به حرمت تأخیر تمکین حکم می‌دهد: «بَابُ تَحْرِيمِ تَأْخِيرِ الْمَرْأَةِ إِجَابَةَ زَوْجِهَا إِذَا طَلَبَ الْإِسْتِمْتَاعَ وَ لَوْ بِإِطَالَةِ الصَّلَاةِ»^۵. در بابی دیگر «نفقه» را به «تمکین» مشروط می‌کند و خروج بدون اذن شوهر را از مصادیق نشوز می‌داند: «بَابُ سُقُوطِ نَفَقَةِ الزَّوْجَةِ بِالتَّشْوِيزِ وَ لَوْ بِالْخُرُوجِ بِغَيْرِ إِذْنِ الزَّوْجِ حَتَّى تَرْجِعَ وَ اشْتِرَاطِ نَفَقَتِهِ بِالتَّمَكِينِ»^۶.

در حالی که بر زن تمکین در همه زمان‌ها و مکان‌ها واجب است، حق واجب بر مرد برای

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۸.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۷.

۴. همان، ص ۱۵۸.

۵. همان، ص ۱۶۴.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۵۱۷.

مُوقَعَهُ هِرْچَهَار مَاهِ یَکِ بَارَ اسْت: «بَابُ أَنَّ الْوَاجِبَ فِي الْقَسَمِ الْمَبِيْتُ عِنْدَهَا لَيْلًا وَالْكَوْنُ عِنْدَهَا فِي صَبِيحَتِهَا لَا الْمُوَاقَعَةَ إِلَّا بَعْدَ كُلِّ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ مَرَّةً».^۱ در ادامه بابی می‌آورد که منع وطی را برای زن شیرده، به خاطر ترس از حاملگی حرام می‌داند؛ ولی اگر مرد آمیزش نکند، مکروه است: «باب تحريم منع المرضعة زوجها من الوطء خوفاً من الحمل و كراهة ترك الرجل وطأها لذلك».^۲

۵. استحباب تعدد زوجات

به مسئله تعدد زوجات در کلام فقیهان و منابع اولیه فقهی تا قبل از قرن پنجم، مانند کتاب‌های من لایحضره الفقیه، الکافی، الاستبصار و تهذیب الأحکام چندان اشاره‌ای نشده است و در برخی کتب به صورت فتوای جواز و عدم جواز بیان شده است و یا به صورت جزئی به این مسئله پرداخته شده است.

برای اولین بار شیخ طوسی در بحث نکاح، کتاب الخلاف، برای اثبات این امر به اجماع و روایات استناد کرده و دلالت آیه سوم سوره نساء^۳ را بر این حکم ناتمام دانسته است. بعد از آن علامه حلی،^۴ شهید ثانی و محقق کرکی^۵ با آوردن دلایلی چون اجماع و آیه سوم سوره نساء به اثبات تعدد زوجات پرداخته‌اند.

در این میان، شیخ حرعاملی چندین قدم پا را فراتر نهاده، به صورت گسترده درباره تعدد زوجات صحبت می‌کند. وی در آغاز، حکم به استحباب تعدد زوجات می‌دهد: «باب استحباب كثرة الزوجات والمنكوحات وكثرة ايتانهن بغير افراط».^۶ صاحب وسائل دوازده روایت را برای این حکم می‌آورد. سپس بر جواز ترجیح زنی بر زن دیگر در نفقه رأی می‌دهد؛ اگرچه تسویه را مستحب می‌داند: «باب جواز تفضيل بعض النساء على بعض في النفقه و استحباب تسوية».^۷ سپس بابی درباره وجوب عدالت در حق قسم (تقسیم خوابیدن پیش

۱. همان، ص ۳۴۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸۹.

۳. «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْبَيْتَاتِ فَاذْكُرُوا مَا ظَلَمْتُمْ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلِي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (سوره نساء، آیه ۳).

۴. مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۸۲.

۵. جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۷۴.

۶. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴۱.

۷. همان، ج ۲۱، ص ۳۴۱.

زن‌ها در شب) می‌آورد: «بَابُ وَجُوبِ الْعَدْلِ فِي الْقَسْمِ الْوَاجِبِ»^۱ و در خوابیدن پیش زن را واجب می‌داند، نه آمیزش: «بَابُ أَنَّ الْوَاجِبَ فِي الْقَسْمِ الْمَبِيْتُ عِنْدَهَا لَيْلًا وَالْكَوْنُ عِنْدَهَا فِي صَبِيحَتِهَا لَا الْمُوَاقَعَةَ إِلَّا بَعْدَ كُلِّ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ مَرَّةً»^۲ البته مرد توانایی ساقط کردن حق قسم از زن، به عوض اعطای چیزی به او یا به خاطر ترس از طلاق یا غیره دارد: «بَابُ جَوَازِ إِشْقَاطِ الْمَرْأَةِ حَقِّهَا مِنَ الْقَسْمِ بِعَوَضٍ وَغَيْرِهِ وَكَوْخُوفًا مِنَ الصَّرَّةِ أَوْ الطَّلَاقِ وَحُكْمِ مَا لَوْ شَرَطَا فِي الْعَقْدِ تَرَكَ الْقَسْمَ»^۳ و آنچه واجب است، حق قسم است؛ نه موذت و علاقه قلبی: «بَابُ وَجُوبِ الْمُسَاوَاةِ بَيْنَ الزَّوْجَاتِ فِي الْقَسْمِ دُونَ الْمَوَدَّةِ»^۴ او در پایان بیان می‌کند که اگر مردی دوزن داشته باشد، می‌تواند یکی را بردگیری تفضیل بدهد؛ به این صورت که سه شب را پیش یکی و یک شب را پیش دیگری بخوابد و فقط حق وجوب هر چهار شب را به جا آورد: «بَابُ جَوَازِ تَفْضِيلِ بَعْضِ النِّسَاءِ فِي الْقَسْمِ مَا لَمْ يَكُنْ أَرْبَعًا»^۵ او برای این فتوا از سه روایت استفاده می‌کند.

۶. استحباب ازدواج موقت

«متعّه» از جمله مباحثی است که برای آن بابی مجزا در همه کتب فقهی و حدیثی شیعه آورده شده است. دلیل اهمیت آن را در تفاوت شیعه و سنی می‌توان جستجو کرد. البته علمای گذشته از جواز و حلال بودن متعه بحث می‌کردند، اما حرعاملی از استحبابش سخن می‌گوید. وی به صورت گسترده به مسئله متعه بحث می‌کردند. شیخ حر در ابتدا به استحباب متعه فتوا می‌دهد: «بَابُ اسْتِحْبَابِ الْمُتَعَةِ وَمَا يَتَّبَعِي قَضْدُهُ بِهَا»^۶ در ذیل این باب پانزده روایات می‌آورد. روایاتی که در استحباب متعه می‌آورد، از حیث تعداد، زیاد و با محتوایی در تأکید بر صیغه هستند. اکثر روایات مردها را به صیغه تشویق کرده و به آن‌ها توصیه می‌کند که قبل از این‌که از این دنیا بروند، حداقل یک بار متعه کنند. او در روایاتی زنان را بر ازدواج موقت تشویق و این کار را موجب آمرزش گناهانشان می‌داند.

۱. همان، ص ۳۴۲.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۴۵.

۵. همان، ص ۳۴۷.

۶. همان، ص ۱۲.

شیخ حر تا جایی پیش می‌رود که اگر مردی عهد کند که متعه نکند، مستحب است عهد خود را شکسته و صیغه کند: «بَابِ اسْتِحْبَابِ الْمُتْعَةِ وَإِنْ عَاهَدَ اللَّهُ عَلَى تَرْكِهَا أَوْ جَعَلَ عَلَيْهِ نَذْرًا».^۱ حر عاملی در ادامه باب‌های گذشته، همانند فقهای دیگر، بر جواز نامحدود صیغه بر مردان فتوا می‌دهد: «باب أنه يجوز أن يتمتع بأكثر من أربع نساء وإن كان عنده أربع زوجات بالدائم»^۲ و برای این باب نیز از چهارده روایت استفاده می‌کند.

البته شیخ حر بعد از آوردن بیش از سی روایت درباره استحباب متعه، بابتی درباره کراهت صیغه برای مردانی که نیاز جنسی ندارند و یا متعه کردن موجب فساد زنان می‌شود، ایجاد می‌کند: «بَابُ كَرَاهَةِ الْمُتْعَةِ مَعَ الْغَنَى عَنْهَا وَاسْتِزْلَامِهَا الشُّعْبَةُ أَوْ فَسَادِ النِّسَاءِ».^۳ صاحب وسائل نیز همانند بقیه علما به مردان توصیه می‌کند که زن مؤمن و عقیف را برای متعه انتخاب کنند: «بَابُ اسْتِحْبَابِ اخْتِيَارِ الْمَأْمُونَةِ الْعَقِيفَةِ لِلْمُتْعَةِ».^۴ ولی متعه زن غیر مؤمنه و عارفه هم مجاز است: «بَابُ اسْتِحْبَابِ اخْتِيَارِ الْمُؤْمِنَةِ الْعَارِفَةِ لِلْمُتْعَةِ وَجَوَازِ التَّمَتُّعِ بِغَيْرِهَا».^۵ در ادامه، متعه با زن مشهور به زنا را مکروه می‌داند: «بَابُ كَرَاهَةِ التَّمَتُّعِ بِالزَّانِيَةِ الْمَشْهُورَةِ بِالزِّنَا».^۶ در بابتی دیگر به عدم تحریم متعه با زناکار فتوا می‌دهد: «بَابُ عَدَمِ تَحْرِيمِ التَّمَتُّعِ بِالزَّانِيَةِ وَإِنْ أَصْرَتْ».^۷

ج. مسائل اجتماعی زنان

در این بخش، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در یازده موضوع طرح و بررسی می‌شود.

۱. مکروه بودن خروج زنان

در حالی که در کتب اربعه و دیگر کتاب‌های اخباری‌ها حکمی درباره خروج زنان به چشم نمی‌خورد، حر عاملی به مکروه بودن خروج زنان از خانه و اختلاط با مردان حکم می‌دهد: «باب کراهة خروج النساء واختلاطهن بالرجال».^۸ وی با آوردن روایاتی که خروج

۱. همان، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۲۲.

۴. همان، ص ۲۳.

۵. همان، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۲۷.

۷. همان، ص ۲۹.

۸. همان، ج ۲۰، ص ۲۳۵.

زنان را منافی با غیرت مردان می‌داند، حس غیرت آن‌ها را مبنی بر عدم اجازه به زنان برای خروج از خانه برمی‌انگیزاند. البته در روایاتی که ذیل باب غیرت مردان آمده است، مصادیق غیرت مردان، زناي زنان و جلوگیری از این مسئله دانسته شده است و به مردان توصیه شده در مقابل هم‌خوابگی زنان غیرت به خرج بدهید و در غیراین صورت، آن‌ها را دیوث می‌نامد؛ در حالی که شیخ حرصف خروج زنان را منافی با غیرت مردان می‌داند.

۲. استحباب حبس زنان در خانه

در الکافی و من لایحضره الفقیه هرچند باب جداگانه‌ای درباره نگه داشتن زنان در خانه وجود ندارد، ولی در باب «التَّسْلِيمِ عَلَى النِّسَاءِ»^۱ الکافی دو روایت درباره عی و عورت بودن زنان آمده است؛ روایاتی که توصیه می‌کند زنان به علت عورت بودن بهتر است در خانه بمانند. شیخ صدوق نیز یک روایت در این باره در باب «الْمَدْمُومِ مِنْ أَخْلَاقِ النِّسَاءِ وَ صِفَاتِهِنَّ»^۲ آورده است.

حرعاملی بر استحباب حبس کردن زنان حکم می‌کند و بر زنان مستحب می‌داند بدون نیاز از خانه خارج نشوند و مردی بر آن‌ها وارد نشود. وی اولین کسی است که بر استحباب حبس زنان در خانه رای می‌دهد: «بَابُ اسْتِحْبَابِ حَبْسِ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَوْ بَيْتِ زَوْجِهَا فَلَا تَخْرُجُ لِغَيْرِ حَاجَةٍ وَلَا يَدْخُلُ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ».^۳ صاحب و سائل، ذیل این باب هفت روایت می‌آورد که در سه روایت از زنان به عورت تعبیر شده، و در دو روایت، دیگر علت این حبس، آفریده شدن زنان از مردان و تمایل آن‌ها به سوی مردان است.

بنابراین در مجموع، به دو علت در روایات برای حبس در خانه اشاره شده است: یکی عورت بودن زنان و دیگری خلقت زنان از مردان که باعث کشش آن‌ها به سوی مردان است.

۳. استحباب راه رفتن زنان از کنار گذرگاه‌ها

نوع راه رفتن و پوشش زنان در بیرون از منزل، از جمله مسائلی است که روایتی در من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، مسالک الافهام و تذکره نیامده است، ولی کلینی در «بَابُ التَّسْتُرِّ»^۴ کتاب الکافی، درباره نوع پوشش و راه رفتن زنان در بیرون شش روایت آورده است.

۱. الکافی، ج ۱۱، ص ۲۲۶.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۴.

۴. الکافی، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

حرعاملی روایات نوع راه رفتن و پوشش زنان در بیرون از منزل را در دو جا می‌آورد و برطبق آن حکم به کراهت می‌دهد: «بَابُ كَرَاهَةِ مَشْيِ الْمَرْأَةِ وَسَطَ الطَّرِيقِ وَاسْتِحْبَابِ مَشْيِهَا إِلَى جَانِبِ الْحَائِطِ»^۱ و برای این فتوا از سه روایت استفاده می‌کند. سپس در باب «احکام المختصه بالنساء»^۲ دو روایت در این زمینه می‌آورد.

۴. حرمت دیدن نامحرم حتی در صورت نابینا بودن

حرعاملی دیدن مرد نامحرم را برزن (هر چند نامحرم کور باشد) حرام می‌داند: «بَابُ تَحْرِيمِ رُؤْيَةِ الْمَرْأَةِ الرَّجُلِ الْأَجْنَبِيِّ وَإِنْ كَانَ أَعْمَى»^۳ اما چهار روایتی که وی برای این فتوا از آن‌ها استفاده می‌کند، فقط نیکو بودن ندیدن مردان را می‌رساند. البته این روایات و روایاتی شبیه به این، در کتب دیگر اخباری‌ها نیامده است و حتی در کتب اربعه نیز این روایات نقل نشده است.

۵. کراهت شنیدن صدای زن از سوی نامحرم

روایت نهی از سخن گفتن با مرد نامحرم را صدوق در باب «جمل من مناهی النبی»^۴ ذکر کرده است، ولی کلینی این روایت را نمی‌آورد. حرعاملی حکم به کراهت داده و برای مردان حرف زدن به غیرنیز را با زنان مکروه می‌داند: «باب حکم سماع صوت الأجنبية و کراهة محادثة النساء لغير حاجة و تحريم مفاکهة الأجانب و ممازحتهن»^۵. حرعاملی در ذیل این حکم شش روایت می‌آورد و در توجیه روایاتی که درباره صحبت زنان با ائمه علیهم‌السلام هست، می‌گوید: احادیثی که ائمه اطهار علیهم‌السلام با زنان صحبت می‌کردند، زیاد هستند؛ اما احتمال دارد که مختص به زنان پیر باشد.^۶

۶. کراهت سلام کردن به زنان

کلینی در «بَابُ التَّسْلِيمِ عَلَى النِّسَاءِ»^۷ چهار روایت درباره عی و عورت بودن زنان و

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸۳.

۲. همان، ص ۲۲۲.

۳. همان، ص ۲۳۲.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

۶. همان.

۷. الکافی، ج ۱۱، ص ۲۲۶.

سلام نکردن به زنان می‌آورد. حرعاملی با آوردن همین روایات، حکم به کراهت داده و برای مردان حرف زدن به غیرنیاز با زنان را مکروه می‌داند: «باب حکم سماع صوت الأجنبية و کراهة محادثة النساء لغير حاجة و تحريم مفاكهة الأجانب و ممازحتهن».^۱ او در ذیل این فتوا شش روایات می‌آورد.

حرعاملی تقدم سلام کردن به زنان و تعارف آن‌ها برای غذا را نیز مکروه می‌داند و این کراهت را درباره زنان جوان شدیدتر می‌داند و همان روایات الکافی را در اینجا ذکر می‌کند: «بَابُ أَنَّهُ يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ اتِّدَاءُ النِّسَاءِ بِالسَّلَامِ وَدُعَاؤُهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ وَتَأْكُذِ الْكِرَاهَةِ فِي الشَّائِبَةِ».^۲

۷. منع قضاوت واجتهاد زنان

نگاهی به آثار متقدم روشن می‌سازد که در برخی از منابع شرایط قاضی شمارش نشده است؛ مانند: کتاب‌های المقنع شیخ صدوق،^۳ المقنعة شیخ مفید.^۴ برخی فقیهان هم -که شرایط قاضی را شمارش کرده‌اند - به شرط مرد بودن اشاره نکرده‌اند؛ چنان‌که محقق اردبیلی مرد بودن را از شرایط قاضی بر نمی‌شمارد:

يشترط فيه البلوغ، والعقل، والإيمان، والعدالة.^۵

محقق اردبیلی با تشکیک در اجماع فقیهان، به صراحت قضاوت زنان را می‌پذیرد. وی با تقسیم امور قضاوت به سه دسته امور خاص مردان، خاص زنان، و امور مشترک بین زنان و مردان، قضاوت زنان را در امور خاص زنان و امور مشترک بین زنان و مردان نافذ می‌داند.^۶ البته برخی از فقها مرد بودن را شرط می‌دانند. شهید ثانی با استناد به این‌که مکروه است زن صدای خود را در مقابل نامحرم بلند کند، قایل به حرمت قضاوت زن شده است و شرط ذکور بودن قاضی را ناشی از آن دانسته که برای زن سزاوار نیست در مجلس مردان شرکت کرده و صدای خود را بلند نماید.^۷

حرعاملی با قاطعیت تمام فتوا می‌دهد که زنان حق قضاوت ندارند: «باب أن المرأة لا

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

۲. همان، ص ۲۳۴.

۳. المقنع، ص ۳۹۵-۳۹۷.

۴. المقنعة، ص ۷۱۹-۷۲۵.

۵. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۲، ص ۵.

۶. همان، ص ۱۵.

۷. مسالك، ج ۲، ص ۱۱۶.

تولی القضاء».^۱ در ذیل این باب تنها از یک روایت استفاده می‌کند:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ﷺ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ جُمُعَةٌ إِلَّا أَنْ قَالَ وَلَا تَوَلَّى الْقَضَاءُ.^۲

۸. واجب نبودن حضور در نماز جمعه

شیخ طوسی در تهذیب الاحکام دو روایت می‌آورد که حضور در نماز جمعه بر زنان واجب نمی‌داند.^۳ کلینی نیز هرچند به صورت مستقل بابی مجزا با عنوان حضور یا عدم حضور زنان در نماز جمعه نمی‌آورد، اما در ذیل باب وجوب نماز جمعه، روایاتی می‌آورد که نماز جمعه برای زن، بچه، مریض، مسافر، و برده واجب نمی‌داند.^۴ حرعاملی نیز با این که روایات بسیاری برای حضور مردم در نماز جمعه می‌آورد (همانند روایاتی که بیان می‌کند حتی زندانیان را برای نماز جمعه از زندان بیرون بیاوردید)،^۵ با این وجود مستحب می‌داند که زنان در روز جمعه به جای خروج از خانه و حضور در نماز جمعه، نمازشان را در خانه بخوانند: «باب استحباب اختیار المرأة صلاة الظهر في بيتها على حضور الجمعة».^۶ در وسائل الشیعه برای این حکم تنها یک روایت آورده شده است.

۹. واجب نبودن حضور زنان در نماز عیدین

در تهذیب الاحکام، روایات عدم جواز شرکت زنان در نماز عید فطر و عید قربان مشاهده نمی‌شود؛ اما کلینی در الکافی در «بابُ خُرُوجِ النِّسَاءِ إِلَى الْعِيدَيْنِ»^۷ با دو روایت، خروج زنان برای نماز عیدین جز برای زنان مسن، جایز نمی‌داند.

با این که حرعاملی نماز عید را بر مردان واجب می‌داند و در باب‌هایی بر استحباب این نماز تأکید دارد، ولی شرکت زنان در نماز عیدین را واجب نمی‌داند، بلکه آن را برای زنان خوش سیما و خوش هیكل مکروه هم می‌داند: «بابُ جَوَازِ خُرُوجِ النِّسَاءِ فِي الْعِيدِ لِلصَّلَاةِ وَ

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶.

۲. همان.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۱.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۴۵۹.

۵. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۰.

۶. همان.

۷. الکافی، ج ۱۱، ص ۲۳۵.

عَدَمٌ وَجُوبُهَا عَلَيْهِنَّ وَكَرَاهَةٌ خُرُوجِ ذَوَاتِ الْهَيْئَاتِ وَالْجَمَالِ»^۱. البته در جایی دیگر، خروج زنان برای جمعه و عیدین را به صورت کلی، بدون در نظر گرفتن جوان یا خوش سیما بودن، مکروه می‌داند.^۲

۱۰. حضور در سوگواری به شرط عدم مفسده

وقتی به کتب اربعه، مانند الکافی، تهذیب الاحکام و الاستبصار می‌نگریم، ابوابی که بیان‌گر نوع حضور زنان در مراسم سوگواری باشد، وجود ندارد. نه تنها ابواب، بلکه روایاتی هم در این کتاب‌ها به چشم نمی‌خورد، اما حرعاملی شرکت زنان را برای مراسم عزا و ماتم، به شرطی که مفسده نداشته باشد، مجاز می‌داند و اگر موجب تحریک مردان شود، حرام می‌داند که در ماتم و عزا نیز حضور داشته باشند. او خروج زنان از خانه را برای غیر این مراسم مکروه می‌شمارد: «باب جواز خروج النساء فی الماتم لقضاء الحقوق الندبه و کراهته لغير ذالك، تحريمه مع المفسده»^۳.

۱۱. استحباب نخ‌ریسی برای زنان

از میان مشاغل اقتصادی آنچه بر زنان مستحب است، مشاغلی است که در خانه انجام شود و در بیرون از خانه نباشد؛ هر چند که در هیچ‌یک از کتب متقدم چنین بابی را در نمی‌یابیم و در خیلی از این کتاب‌ها به این روایت اشاره هم نشده است. حرعاملی بابی را به نام استحباب نخ‌ریسی برای بانوان عنوان‌گذاری می‌کند: «باب استحباب الغزل للمرأة»^۴.

تحلیل و بررسی

۱. تأیید عقل زنان

نقصان عقل زنان از مسائلی است که از دیرباز درباره زنان مطرح بوده و مبنایی برای برخی از احکام صادره درباره مسائل زنان، چون منع مشورت با آن‌ها، منع قضاوت زنان و... است، ولی حرعاملی^۵ با تأیید عقل زنان، در وجوهی که برای روایت «عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۷۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۶.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۳۹.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۲۳۶.

۵. الفوائد الطوسیه، ص ۲۷۴.

جَمَالُ الرَّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ»^۱ می‌آورد، تأکید می‌کند که عقل آن‌ها برای شما معیار باشد و و تنها به جمال آن‌ها اکتفا نکنید. و در این باره به صورت جداگانه توضیح می‌دهد.

علاوه بر این، با وجود این‌که حرعاملی مشورت با زنان را مکروه می‌داند و بایی مجزا در این باره می‌آورند، ولی هیچ روایتی درباره نقصان عقل زنان برای این حکم نمی‌آورند، بلکه روایتی چون شوم بودن زنان را نقل می‌کند؛ حتی روایتی که برای منع قضاوت زنان می‌آورد، روایتی است که شنیدن صدای زن را برنامحرم مجاز نمی‌داند؛ نه این‌که زنان دارای عقل ناقص باشند و قدرت حکم دادن نداشته باشند.

در کنار هم گذاشتن همه آنچه گفته شد، نشان دهنده این است که نقصان عقل زنان برای حرعاملی مورد قبول نبوده است و او عقل زنان را تأیید می‌کند و توضیحی که در این باره بیان می‌کند، نشانه تأکید وی بر کمال عقل زنان است.

۲. تشدید مردسالاری

گرچه در کتب روایی توصیه می‌شود که زنان همیشه مطیع همسرانشان باشند، با این حال، این مسئله در ساختار خانوادگی و سائل الشیعه با تأکیدات بیشتری به چشم می‌خورد. نه تنها فضای کلی کتاب شدیداً مردسالارانه است، بلکه حکم‌هایی که حرعاملی در امور خانواده می‌دهد، مسئله مردسالاری را تشدید می‌کند. مقایسه عناوین کتاب و سائل الشیعه با عناوین باب‌های کتاب‌های دیگر علما، به وضوح بیان‌گر این مسئله است. در امور خانواده به روش‌های متفاوت کوشش شده که زنان تحت کنترل پدر و شوهر قرار بگیرند؛ حکم‌هایی چون: وجوب اطاعت زن از شوهر، خروج به اذن شوهر، اطاعت نکردن مردان از زنان، وجوب تمکین زن از شوهر، استحباب تعدد زوجات و متعه، وجوب غیرت بر مردان و عدم جواز غیرت بر زنان و منع مشورت با زنان، نمونه‌هایی از عناوین و حکم‌هایی است که در وسائل الشیعه بر تشدید مردسالاری کمک کرده است.

۳. تقویت خانه‌نشینی زنان

مسئله مشارکت اجتماعی تا قبل از اخباری‌ها و دیدگاه‌های حرعاملی تا این حد منع نشده بود. فتاوی‌ای وی نقش بسزایی در ایجاد ذهنیت و ایدئولوژی منع از مشارکت زنان داشته است؛ فتاوی‌ایی که مجموع آن‌ها، زنان و مردان را نسبت به در خانه ماندن زنان و منع از حضور

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۳.

اجتماعی آن‌ها ترغیت می‌کند. مستحب دانسته می‌شود که زنان در خانه بمانند و خروج زنان را مکروه می‌داند. سپس خروج زنان را منوط به اذن مردان می‌داند و از طرفی خروج زنان را با غیرت مردان منافی می‌داند؛ علاوه بر این که زنان با محدودیت‌هایی در جامعه در برخورد با نامحرم برخوردار هستند: سلام کردن به زنان مکروه است. شنیدن صدای زن نامحرم مکروه است و دیدن نامحرم نیز بر زنان حرام است. نماز جمعه و نماز عیدین بر زنان واجب نیست. زنان در سوگواری به شرط عدم مفسده می‌توانند شرکت کنند و برای غیر سوگواری مکروه است از خانه خارج شوند. زنان به جای این که در خارج از خانه مشغول کاری شوند، بهتر است در خانه نشسته و نخ بریسند. حتی برای این که صدایشان را نامحرمی نشنود، در صورت توانایی نمی‌تواند قضاوت کنند. گرچه تک تک این عناوین نیز به تنهایی در مقایسه با کتب روایی قبل، عدم حضور اجتماعی زنان را تشدید می‌کنند، وقتی همه این حکم‌ها در مجموع و با هم در نظر گرفته می‌شود، ناگزیر باید به این مسئله اذعان کرد که حکم‌های حر عاملی در خانه نشین کردن زنان تأثیر بسزایی داشته است. همه این حکم‌ها زنان را ترغیب می‌کند که خانه نشینی را بر حضور اجتماعی ترجیح بدهند و مردان را نیز ترغیب می‌کند تا جایی که امکان داشته باشد از حضور اجتماعی زنان جلوگیری کنند.

۴. زنانه و مردانه کردن مسائل

در طول تاریخ نگرش‌های ارائه شده از سوی علمای دین در تبعیض جنسیتی علیه زنان مؤثر بوده است. این نگرش‌های جنسیتی گاه به صورت مستقیم و گاه نیز به صورت غیرمستقیم از سوی علما ارائه شده است. از عنوان‌هایی که حرعاملی برای مباحث انتخاب می‌کند، می‌توان بیشتر به این امر دست یافت. در مواردی شیخ حر حکم مسئله‌ای را برای زن و مرد به صورت جداگانه بیان می‌کند؛ در حالی که در کتب حدیثی قبلی عنوان به صورت عام بیان شده است؛ به عنوان نمونه در کتب من لایحضره الفقیه و الکافی عنوان بابی که برای غیرت بیان شده است، «بَابُ غَيْرَةِ النِّسَاءِ»^۱ و «بَابُ الْغَيْرَةِ»^۲ به صورت خنثی و بدون جنسیت‌سازی آمده است؛ در حالی که در وسائل الشیعه این عنوان با دو صورت تحریم بر زنان و وجوب بر مردان «وَجُوبُ الْغَيْرَةِ عَلَى الرِّجَالِ» و «عَدَمُ جَوَازِ الْغَيْرَةِ مِنَ النِّسَاءِ»^۳ بیان شده است.

۱. الکافی، ج ۱۱، ص ۱۵۶.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۶.

۵. اهمیت دادن بیش از حد به مسائل جنسی

از گفتار و نوشته‌های نویسنده، می‌توان به بیشتر مبانی او دست یافت؛ مبانی‌ای است که خود نویسنده در جاهایی آن را اظهار می‌کند. همچنین به همان اندازه که گفته‌ها می‌توان نتیجه گرفت، از ناگفته‌های او نیز می‌توان مبانی دیگر او را دریافت. وقتی نویسنده‌ای درباره مسئله‌ای در صفحات فراوانی می‌پردازد و درباره جزئیات آن می‌نویسد، ولی مسئله‌ای دیگر کوچک‌ترین اشاره‌ای نمی‌کند، یعنی نویسنده در پس ذهنش مبنایی را داشته است. مباحث جنسی، یا دید جنسی به زنان نیز جزء این مقوله است. وقتی به کتاب وسائل الشیعه به صورتی کلی و در مجموع نگریسته می‌شود، به جزئی‌ترین مسایل جنسی پرداخته شده است و احادیثی در این زمینه‌ها آورده شده است^۱ و در جای جای این کتاب با موضوعات متفاوت، ریزترین مسایل درباره روابط جنسی زن و مرد بیان شده و به کرات فتاوایی هم داده شده است؛ در حالی که به مباحثی مانند مشارکت زنان در اجتماع، حقوق زن، جز در موارد نادر اشاره‌ای نمی‌شود. در مواردی هم که به این حقوق اشاره می‌شود، معمولاً احادیثی مبنی بر نفی این حقوق آورده می‌شود.

از طرف دیگر، در سیستم برنامه‌ریزی شده برای زن در خانواده نیز دید جنسی به زن تشدید شده است. زن باید همه‌گونه و در همه زمان‌ها و مکان‌ها آمادگی خود را برای تمکین اعلام کند و در صورت تأخیر در اجابت درخواست مرد کار حرامی انجام داده است. اگر زن در مقابل مرد تمکین نکند، نفقه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد. او خروج بدون اذن شوهر را از مصادیق نشوز می‌داند. از طرف دیگر، مردان را درباره مسائل جنسی آزاد می‌گذارد. حرعاملی با آوردن روایت فراوانی درباره تعدد زوجات و با مستحب دانستن آن، بر این امر تأکید می‌کند. به علاوه حرعاملی متعه را نیز برای مردان مستحب می‌داند و روایت فراوانی در استحباب متعه می‌آورد. همه این‌ها بیان‌گران آن است که اهمیت مسائل جنسی در وسائل الشیعه تشدید شده است و توجه وی به مسائلی که در رابطه جنسی با روابط زن و مرد بود، بیشتر شده است.

جمع‌بندی

با دقت نظر در عناوین باب‌ها، تعداد روایات و تعداد باب‌های وسائل الشیعه نسبت به کتب قبلی می‌توان گفت که عناوین باب‌های این اثر - که بیان آرای نویسنده است -

۱. همان، ص ۱۱۹، ۱۴۹ و ۵۰۰.

تغییراتی قابل توجهی نسبت به کتب فقهی و حدیثی قبل از این کتاب کرده است. حر عاملی با نظر دادن به استحباب و کراهت، وجوب و حرام، تغییرات قابل توجی در مسائل زنان ایجاد کرده است؛ در حالی که در کتب قبل، برخی موارد به صورت خنثی بیان می‌شود. علاوه بر این، در مواردی تعداد باب‌ها نیز گسترش یافته و به اهمیت برخی مسائل زنان افزوده و در برخی موارد نیز تعداد روایات به صورت چشم‌گیری افزایش یافته است. نتیجه این تغییرات، تأثیراتی است که در مسئله زنان به جود آمد؛ همانند تقویت مرد سالاری، تشدید خانه‌نشینی زنان، رواج متعه و تعدد زوجات.

کتابنامه

- أحكام النساء، محمد بن محمد بن نعمان عکبری مفید بغدادی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- اسلام نص‌گرا: تاریخ و عقاید اخباریان شیعه، رابرت گلیو، ترجمه: ابراهیم سلیمی نوه و سیدمهدی طباطبایی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶ش.
- اعیان الشیعه، سیدمحسن امین، تحقیق: سیدحسن امین، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۸ق.
- أمل الآمل، محمد بن حسن حرعاملی، تحقیق: سیداحمد حسینی، بغداد، مکتبه الأندلس، ۱۳۸۵ق.
- تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- جامع المقاصد فی شرح القواعد، علی بن حسین کرکی، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
- الحجرة العاملة الى ایران فی العصر الصفوی، اسباب‌ها التاريخية و نتائجها الثقافية و السياسية، جعفرالمهاجر، بیروت: دارالروضة للطباعة والنشر، ۱۴۱۰ق.
- الخلاف، محمد بن حسن طوسی، قم: اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، احسان قیصری، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.

- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، محمد حسين آقابزرگ تهراني، بيروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
- روضات الجنات في احوال العلماء و السادات، محمد باقر خوانساري، قم: دارالاسلاميه، ۱۴۱۱ق.
- رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبدالله افندي اصفهاني، تحقيق: سيد احمد حسيني، قم: مطبعة النخيام، ۱۴۰۱ق.
- ساختار نهاد و اندیشه ديني در ايران عصر صفوي (تاريخ تحولات ديني ايران در سده هاي دهم تا دوازدهم هجري قمری)، منصور صفت گل، تهران: رسا، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- سياست و فرهنگ روزگار صفوي، رسول جعفریان، تهران: علم، ۱۳۹۲ش.
- شرايع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، نجم الدين حلي، قم: اسماعيليان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- الفوائد الطوسيه، محمد بن حسن حر عاملي، قم: مكتبة المحلاتي، ۱۴۲۳ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، قم: دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
- مجمع الفائدة و البرهان في شرح از شاد الأذهان، احمد بن محمد اردبيلي، تحقيق: مجتبي عراقي و علي پناه اشتهازي و حسين يزدي، قم: اسلامي، ۱۴۰۳ق.
- مسالك الأفهام الي تنقيح شرائع الاسلام، حسن بن زين الدين عاملي (شهيد ثاني). تحقيق: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامي. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ق.
- المقنع، محمد بن علي بن بابويه صدوق، قم: امام هادي عليه السلام، ۱۴۱۵ق.
- المقنعة، محمد بن محمد بن نعمان عكبري مفيد بغدادی، قم: كنگره جهاني شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه صدوق، قم: اسلامي، ۱۴۱۳ق.
- وسائل الشيعة، محمد بن حسن حر عاملي، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.